

رنگ، ابزار خلق منظر

طرح لاسوس برای نمای خیابانی یک مجتمع مسکونی



سمانه رحمدل، کارشناس ارشد
معماری منظر، دانشگاه تهران.
Samaneh_rahmdel@
yahoo.com

چکیده: نمای خاکستری، به‌جامانده از فرآیند مجتمع‌سازی برای طبقه متوسط جامعه، میراث ناخواسته مدرنیسم بر بدنه خیابان‌ها است. یکنواختی و مشابهت نماهای بتنی، فضاهای همسان و کسل‌کننده‌ای را ایجاد کرده که هم بر سیما و نمای شهر تأثیر منفی دارد و هم مانع احساس تعلق ساکنین به محل زندگی خود می‌شود. این نماها به عنوان بخشی از یک معماری با ساختار و شکل از پیش تعیین‌شده از ظرفیت‌های محدودی جهت مداخله و نوسازی برخوردار است.

مجتمع مسکونی باتیژ در شهر اوکاتژ نمونه‌ای از این مجتمع‌هاست که تأثیر منفی فضای آن بر نمای شهر و ساکنین مجتمع، شهرداری را به بازنگری در فضای باز مجتمع و نمایی که برای شهر رقم زده بود، واداشت. "برنارد لاسوس"، معمار منظر فرانسوی طراحی و اجرای پروژه بازسازی نمای مجموعه را بر عهده داشت.

لاسوس پیش از ورود به عرصه منظر سال‌ها به عنوان نقاش شناخته می‌شد و فضا سازی مبتنی بر رنگ‌آمیزی و استعاره‌های هنری مجازی از راهبردهای اصلی وی در طراحی منظر به شمار می‌رود. در پروژه بازسازی نمای مجموعه مسکونی باتیژ، لاسوس از مجاز و استعاره در قالب نقاشی بر دیوارهای مجتمع بهره می‌گیرد و با تأثیرپذیری از زمینه فرهنگی - مکانی مجموعه و درگیر کردن کانسپت طرح با عناصر عینی - ذهنی محیط، توانسته نقاشی دیواری را از چارچوب هنری غیراجتماعی خارج کرده و ضمن آفرینش فضایی مطلوب برای ساکنان، هویتی نوین و توأم با خوانایی به خیابان ببخشد. اهمیت پروژه در آن است که چالش یک معمار منظر - نقاش امتزاج این دو هنر و خلق فضایی شهری در قالب نقاشی دیواری است. در این نوشتار، رویکرد سوررئال لاسوس برای پاسخ به بحران عدم تعلق خاطر - ناشی از نوسازی یکنواخت - و دستاورد این رویکرد در قالب آفرینش باغ - شهر خیالی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی: برنارد لاسوس، هویت، نمای رنگی، نقاشی دیواری، سوررئالیسم.

معرفی فضا

طرح نوسازی نمای مجتمع مسکونی باتیژ (Batigere)، یک پروژه نوسازی شهری است که در شهر اوکاتژ (Uckange) در فرانسه اجرا شد. مجتمع ۱۲۰۰ واحدی باتیژ توسط خیابان‌هایی در مقیاس محله احاطه می‌شود که یکی از آنها به دلیل تردد کامیون‌های حامل بار، همواره پرترافیک است. در جریان تملک جدید و بهسازی مجموعه در دهه ۸۰، مالکان جدید تصمیم به حذف نیمی از واحدهای مسکونی موجود - به دلایل اقتصادی - گرفتند. طراحی فضای باز جدید - حاصل از تخریب - و نوسازی نمای ساختمان‌ها به برنارد لاسوس واگذار شد.

مسئله فضا: نمای یکنواخت و بحران عدم تعلق خاطر

مجتمع مسکونی باتیژ را باید محصول فرآیند ساختمان‌سازی بعد از جنگ جهانی دوم در مناطق شهری کارگری و مهاجرنشین دانست؛ با پایان جنگ در شوریهایی نظیر فرانسه به خاطر ضرورت بازسازی سریع ویرانه‌ها، راه برای ساخت‌وسازهای زنجیره‌ای متأثر از شهرسازی خردگرا و اقتصادمحور مدرنیستی باز شد (Steinmetz, 2005: 22). اتخاذ این رویکرد در ساخت مجتمع باتیژ منجر به ایجاد فضایی یکنواخت شد که آسیب‌هایی به ترتیب ذیل در مقیاس محله‌ای - شهری ایجاد کرد:

۱. نمای ملال‌آور: نمای بتنی یکدست و بازشوهای همسان، نمایی یکنواخت و کسالت‌آور را به شهر ارایه کرد.
۲. عدم خوانایی: تکرار یک دیواره خاکستری در طول ۲۵۰ متر، باعث عدم خوانایی خیابان و کاهش امکان جهت‌یابی ناظر سواره شد.
۳. عدم تعلق خاطر: عدم انتقال احساس هویت و مالکیت به ساکنان مهم‌ترین آسیب نماهای خاکستری به‌شمار می‌رفت. یکسانی نمای واحدهای مسکونی، مانع تعلق خاطر ساکنان به مجموعه به عنوان مسکنی منحصر به فرد بود.

اهداف و راهبردهای طراحی

هدف لاسوس در این پروژه بیش از همه نابود کردن تصویر مجموعه‌ای مسکونی بود که هیچ‌کس حاضر به زندگی در آن نبود (Lassus, 1998: 127). اهمیت مخاطب در این دیدگاه، «ایجاد تعلق خاطر» نسبت به مکان را به عنوان هدف اصلی طراحی مطرح می‌کند؛ ضمن اینکه زیبا سازی محیط شهری نیز مطرح بود.

با توجه به موانع معماری و محیطی، استفاده از شیوه دیوارنگاری و رنگ‌آمیزی نمای ساختمان‌ها به عنوان راهکار طراحی مطرح شد. از دهه ۷۰، در شهرهای اروپایی رنگ به تدریج نقش درمانی را برای رفع ملالت حاصل از یکنواختی نماهای یک‌شکل بازی می‌کرد (Steinmetz, 2005: 22).

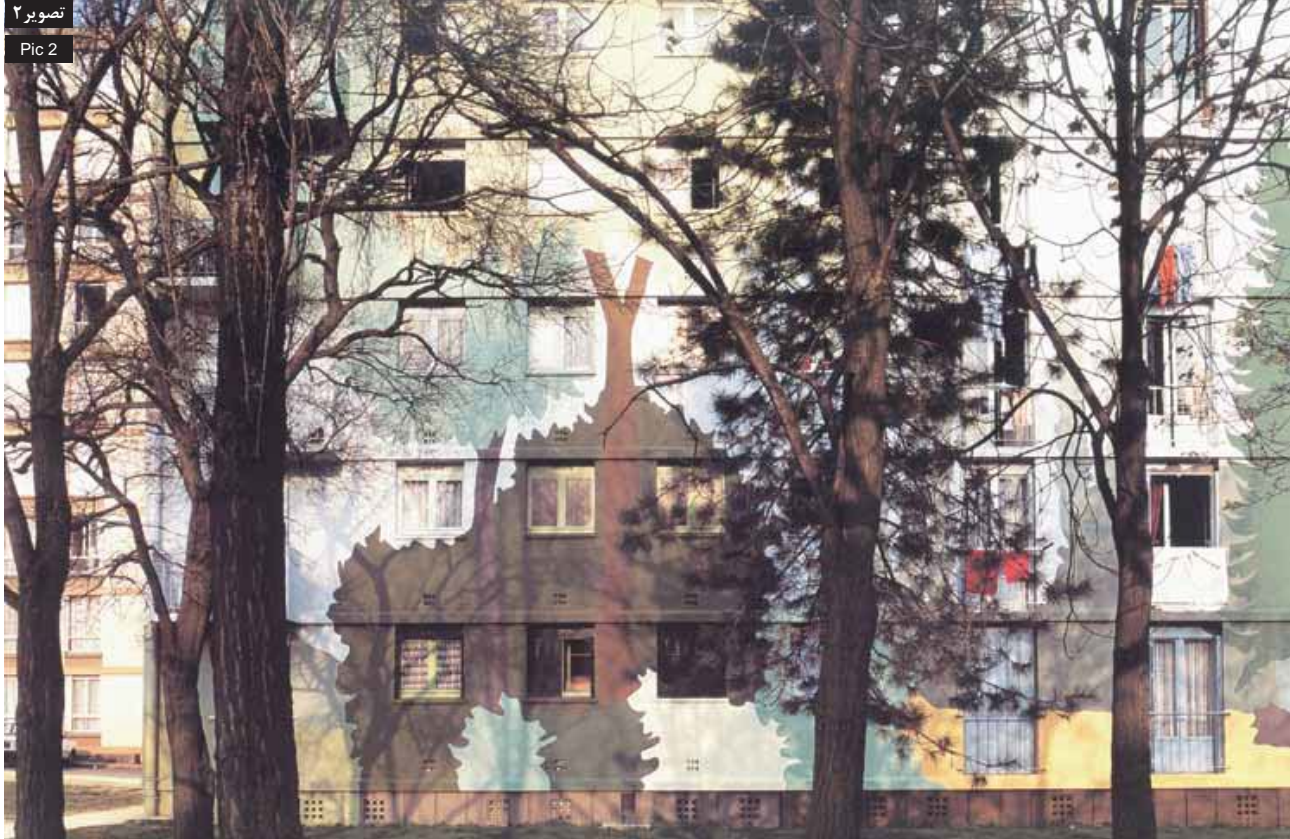
در این میان نقاشی دیواری به لحاظ ماهیت ارتباطی خود، ظرفیت‌های فراوانی در شکل‌دهی و همین‌طور بیان روان‌شناسی، فرهنگی و... جامعه دارد (کفشچی‌ان مقدم، ۱۳۸۹: ۶۷). تلاش لاسوس در بهسازی نمای مجتمع بر این بود تا با استفاده از این ظرفیت‌ها، فضایی در راستای اهداف طرح ایجاد کند.

اقدامات طراحی: باغ خیال، محصول تبدیل نمای خاکستری به رنگی

طرح پیشنهادی برنارد لاسوس برای پاسخ‌گویی به اهداف هویتی - زیباشناختی پروژه، اجرای باغی مجازی روی نمای مجموعه به جای فضا سازی و ایجاد باغی واقعی بود: نماهای اصلی با نقاشی‌های رنگارنگ پوشانده شدند، در سمت خیابان، خانه‌هایی از سبک‌ها، ادوار تاریخی و سرزمین‌های مختلف، حتی خارج از فرانسه، ترسیم شدند و بازشوهای پنجره‌ها، که پراکنده‌گی‌شان خیلی یکنواخت بود، برای هر خانه با پیکربندی‌های متفاوت بازاریابی شد (Lassus, 1998: 128-129). لابه‌لای خانه‌ها با بوته‌ها و درختان نقاشی شده و در طبقات بالایی، ابرهای ترسیم‌شده به آسمان پیوند خوردند. طرح نهایی در ایده و اجرا، محصولی انتزاعی است که درک چرایی آن بدون شناخت رویکرد منظرین لاسوس میسر نیست. در نگاه نخست، کاربرد تکنیک نقاشی دیواری به عنوان

تصویر ۲: نقش درختان محیط بر دیوار نما: برداشتی انتزاعی و سوررئال از منظر طبیعی مجموعه. مجتمع مسکونی باتیسز، اوکانز، فرانسه. مأخذ: Lassus, 1998

Pic 2: The pattern of environmental trees on building façades: an abstract, surreal inception from the natural landscape of the complex. Source: Lassus, 1998.



تصویر ۱: باغ - شهری متشکل از فضاهای متکثر فرهنگی. فضاسازی مبتنی بر خیال، راهکار برنارد لاسوس برای پاسخ‌گویی به چندگانگی فرهنگی. مجتمع مسکونی باتیسز، اوکانز، فرانسه. مأخذ: Lassus, 1998.

Pic1: A city-garden, formed from cultural plural spaces, is Lassus's solution to answer the problem of multiculturalism. Source: Lassus, 1998.

تصویر ۱

Pic 1



راهکاری برای اصلاح نمای شهری، روشی غیرمستولانه جهت پوشاندن عیب‌های معماری موجود و نوعی پاک کردن صورت مسئله به نظر می‌رسد. آیا پوشاندن نمای شهری با رنگ، می‌تواند منجر به آفرینش منظر ماندگار شود؟ و اصولاً کاربرد مصالح متفاوت و آرایه تصویر «مصنوع» از عناصر منظرین تا چه حد می‌تواند پرکننده خلأ ناشی از وجود آن عناصر باشد؟ اما با نگاه عمیق‌تر در برخورد و رویکرد لاسوس، موضوع قابل تأمل‌تر می‌شود. برخورد برنارد لاسوس با منظر را باید سوررئال و مینی‌مال دانست؛ او قایل به دخالت مینی‌مال در منظر است: بیان ابعاد احساسی متفاوت از آنچه اکنون موجود است (لاسوس، ۱۳۹۰: ۵۲). به بیان دیگر، وی عنصر منظر را همچون هولوگرامی با هزاران بُعد می‌بیند؛ هولوگرامی که در ضمن قادر است اثر خود را از طریق نور و در قالب رنگ به اشیای دیگر منتقل کند. معمار منظر می‌تواند شبح‌های گوناگون از این کلیت یگانه را در چارچوب مصالح، ابعاد و فرم‌های مختلف دریافت و منتشر کند؛ به این ترتیب، انعکاس عناصر منظر در قالب‌های نو و غیرواقعی، منجر به فضا سازی سوررئالیستی منظر می‌شود. سوررئالیست‌ها بیان حقایق طبیعی را بیهوده دانسته و معتقدند بشر در آن سوی واقعیت، به دانشی تازه دست می‌یابد که بالاتر از واقعیت ملموس است (میرصادقی، ۱۳۶۹: ۴۵۷). در این جا «رنگ» ابزار عبور از واقعیت به خیال می‌شود. بدین سان در مکتب لاسوس روش منظرین می‌تواند به نمایش «مصنوع» به مثابه تعبیری نوین از «طبیعت» برسد (ونتوریفریولو، ۱۳۹۱: ۲۹).

با این نگرش، دیوارنگاری نمای مجموعه مسکونی باتیژ به عنوان برداشتی فراواقعی از عناصر منظرین قابل تفسیر است. ساختمان‌ها و عناصر طبیعی نقاشی شده در حقیقت ساکنان‌های انتخابی برنارد لاسوس از مابه‌ازای واقعیشان هستند که از زمان و مکانی که به آن تعلق دارند، گذر کرده و به زمینه‌ای جدید و دو بعدی منتقل شده‌اند. آنچه اهمیت این رویکرد هنری را افزایش می‌دهد، تأثیرپذیری لاسوس از عوامل محیطی و خواسته‌های ساکنین است که با عبور از فیلتر سوررئالیسم منعکس می‌شود. «تلاش لاسوس در طراحی منظر بر این است که به گونه‌ای در منظر مداخله کند تا به مکان‌ها و نیز به فعالیت‌های ساکنان آن مکان‌ها معنا بخشد» (Lassus, 1998: 3).

دستاوردهای پروژه در بعد هویتی

اصلی‌ترین عامل محیطی مؤثر بر کانسپت باغ خیالی، چندملیتی بودن ساکنان مجتمع بود. لاسوس حرکت به سوی «خیال» را راهکار رسیدن به فضاهای قابل درک برای گروهی از فرهنگ‌های می‌داند (لاسوس، ۱۳۹۰: ۵۳). گویی هرچه فضا خیال‌انگیزتر باشد، تفاسیر متنوع‌تری از آن قابل برداشت است. این آفرینش مبتنی بر خیال، نوعی کثرت‌گرایی (Pluralism) در قالب کولاز است؛ مانند آنچه سوررئالیست‌ها «اتفاق عینی» (objective event) می‌نامند؛ به این معنا هنرمند با بازی آثار هنری و بهره‌گیری از عوامل مقدس و حامل معنا برای فرهنگ‌های موجود، به فضاهایی با موجودیت جدید اجماع چند فرهنگی، دست پیدا می‌کند (شایگان، ۱۳۷۲: ۵۲).

این اندیشه در پروژه باتیژ، با تبدیل نمای یکتواخت به نمای متکثر در قالب ترسیم باغ-شهری خیالی و چند فرهنگی تبلور یافت؛ باغ-شهری که خانه‌ها و گیاهانش، متعلق به زمان‌ها و مکان‌هایی متنوع، از اروپا تا سرزمین‌های عربی است و ساکنان از نژادهای گوناگون می‌توانند هویت خود را باز جویند. باغ-شهر، ذهنیت هویت‌جوی مخاطب را با عینیتی سوررئال و رویکرد کثرت‌گرا باز تولید می‌کند (تصویر ۱). خوانش صحیح محیط در خلق منظر جدید الهام‌بخش



کالبدی و البته با رویکردی موشکافانه و هنرمندانه به ابزاری قوی و غیر قابل انکار در بازنمایی و شکل دادن به نمای شهر تبدیل می‌شود. در پروژه ناماسازی مجموعه مسکونی باتیژ، هدف دست‌یابی به نمایی نو است که برای ساکنین مجتمع «هویت‌بخش» بوده و در مقیاس شهری، منجر به خوانایی مبتنی بر «زیبایی» در منظر خیابان شود.

هنر معمار منظر در اینجا انتخاب آگاهانه ابزار و همچنین درک عمیق از بستر، زمان و مخاطب بوده است؛ که توانسته با نقاشی دیواری به عنوان ابزاری محدود و عامه‌پسند، فضای خیالی بیافریند. فضای که پاسخی به چندگانگی فرهنگی موجود بوده و منظری خوانا و با هویت را با هزینه‌ای محدود خلق می‌کند. لاسوس در این فرآیند بیشترین تأکید را بر اثری دارد که این منظر می‌تواند بر ذهنیت مخاطب محلی و شهری داشته باشد. این ذهنیت با عینیتی سوررئال باز تولید شده که منجر به خلق منظر خیالی انگیز، فراواقعی و هویت‌بخش شده است.

فهرست منابع

- شایگان، داریوش. (۱۳۷۲). چندگانگی فرهنگی. *فصلنامه گفتگو*، (۲): ۴۰-۶۲.
- کفشچیان مقدم، اصغر. (۱۳۸۳). بررسی ویژگی‌های نقاشی دیواری. *نشریه هنرهای زیبا*، (۲۰): ۶۷-۷۸.
- لاسوس، برنارد. (۱۳۹۰). برنارد لاسوس: تجربه‌ها و دغدغه‌ها در طراحی منظر. ترجمه: مریم‌السادات منصور. *مجله منظر*، ۳ (۱۳): ۵۷-۴۸.
- میرصادقی، میمنت. (۱۳۶۹). شناخت مکتب‌های ادبی (۱۳): سوررئالیسم. *ماهنامه چپستا*، (۷۳): مجموعه زبان و ادبیات: ۴۵۹-۴۵۷ و ۴۷۷.
- ونتوری فریولو، ماکسیمو. (۱۳۹۱). برنارد لاسوس: روشی بی‌حصر برای منظر. ترجمه: مریم‌السادات منصور. *مجله منظر*، (۱۹): ۳-۲۸.

بوده و امکان ارتباط میان عناصر منظر نو و کهنه را فراهم می‌کند. مهم‌ترین تعامل نمای جدید با منظر موجود، مکان‌یابی محل ترسیم درختان با توجه به محل قرارگیری تک‌درخت‌های حقیقی مشرف به نما است. درختان جدید با تفسیر سوررئالیستی لاسوس در خلق منظر، به مانند تعبیری نو و خیالی از درخت حقیقی موجود هستند؛ همچون توری که از درخت عبور کرده و نقشی بر دیوار انداخته است (تصویر ۲). این رابطه در زمستان معنای حقیقی خود را پیدا می‌کند "در زمستان، برگ درختان نقاشی شده، برگ‌ها را به درختان برهنه بازمی‌گرداند" (Lassus, 1998: 127)؛ (تصویر ۳). برنارد لاسوس عمادانه اشیاء را از بدنه طبیعی‌شان بیرون می‌کشد تا برداشتهای نوین را تجربه کنند. این گونه یک عنصر منظرین در چند لایه تجزیه می‌شود و در نهایت لایه‌ها مکمل و حمایت‌کننده یکدیگر می‌شوند؛ به دلیل همین ارتباط، ارزش فرهنگی درختان باغ خیالی باعث معنابخشی به مابه‌ازای حقیقی‌شان می‌شود.

دستاوردهای پروژه در ابعاد زیباشناسی و عملکردی

زیباسازی خیابان در طرح لاسوس در اولویت دوم قرار دارد؛ با این وجود، رنگ‌آمیزی خیال‌پردازانه و هماهنگ با عناصر محیطی در زیباسازی خیابان‌های اطراف مؤثر بوده است. ناظر سواره و پیاده با عبور از خیابان به مثابه «نظرگاهی متحرک» (لاسوس، ۱۳۹۰: ۵۰) خیابان جدید را با منظری رنگارنگ درک می‌کند. نمای رنگی با رویکردی زیباشناسانه و حذف عوامل ملال‌انگیز، باعث پویایی و جذابیت منظر خیابان شده است. به علاوه نمای کثرت‌گرا باعث بازتعریف ذهنی خیابان بر پایه تصاویر متنوع نما شده و موجب خوانایی خیابان به ویژه برای ناظر غیر محلی می‌شود (تصاویر ۴ تا ۶).

جمع‌بندی

به کارگیری رنگ به عنوان «مصلح» جهت نوسازی نمای شهری، اگرچه در نگاه نخست انتخابی عجولانه جهت ایجاد لایه‌ای دروغین و مخفی‌کننده معایب منظر موجود به نظر می‌آید؛ ولی گاه در محدودیت‌های فضایی، اقتصادی و

Colors, the tools to create landscapes

Lassus design for street landscape of a residential complex

Samaneh Rahmdel, M.A. in Landscape Architecture, University of Tehran, Iran. Samaneh_rahmdel@yahoo.com



Abstract: Grey landscapes, resulted from construction of residential complexes for the middle stratum of the society, are the unwelcome legacy of modernism passed down to the streets of the cities. Homogeneity and similarity of concrete structures creates dull sceneries with negative effects on the total landscape of the city and prevents development of a sense of belonging for the inhabitants. These landscapes, which are a part of pre-designed architecture, provide little space for renovation and reconstruction.

Batigere residential complex in Uckange city is an example of such constructions, whose negative effects on city's landscape and the inhabitants forced the municipality to reconsider the public place of the complex and the landscape it had created. Bernard Lassus, a French landscape architecture, supervised the reconstruction project.

During the reconstruction project of Batigere residential complex, Lassus used metonymy and metaphor in the form of wall painting. Deriving from the cultural-positional background of the complex and combining the concept of the design with the real-mental environment, Lassus moved the concept of wall painting beyond an asocial art while creating a favorable environment for the inhabitants and bestowing a new pleasant identity to the street. The significance of the project lies in the attempts of a landscape architecture and painter in combining the two arts and creating an urban landscape in the form of wall painting. This paper analyzes Lassus' surreal approach to removing the sense of detachment –resulted from homogeneous construction– and the achievements of his approach from identity, esthetic and functional standpoint.

Lassus' plan for covering the multiculturalism of the complex was painting a virtual garden containing various cultural items of different civilizations instead of constructing a real garden. This approach was adopted to give identity to the complex. Batigere's wall painting can be regarded as a surreal interpretation of natural elements. The painted apartments and natural elements are Lassus' chosen scenes minus their reality, which have left behind the time and space to which they belonged and have reached a new two-dimensional ground. Lassus believes that the move toward "imagination" is the way to reach the environments



which are perceptible by different cultures. The more imaginary the environment, the more interpretations can be deduced. This imagination-based creation is a type of pluralism in the form of collage which reproduces the identity-seeking mentality of the addressee with a surreal identity and pluralistic approach.

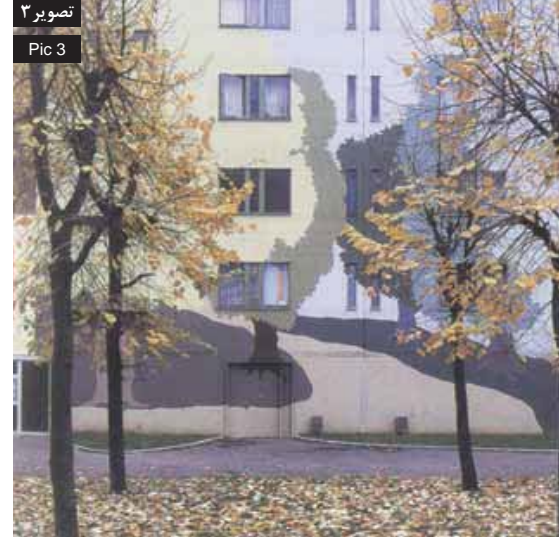
From esthetic and functional standpoint, the imaginative painting harmonious with natural elements has been very successful in beautification of the surrounding streets. Spectators on foot or in vehicles pass the street and experience a colorful scene. This colorful scene has omitted boring elements unpleasant to the eye and has created a more attractive street. Furthermore, the pluralistic and varied scene has redefined the mental concept of street based on varied elements of the painting, and this has resulted in the street to be more visually readable.

The target of the project was creating a new landscape which would give "identity" to the inhabitants of the complex and, in the larger scale, would result in more visual readability for the street based on "beauty". The architect's skill in choosing the appropriate tools and his deep understating of the context, time and addressee created an imaginative environment by use of "wall painting" as a limited tool. This environment answered to the multiculturalism of the complex and created a visually readable scene with a limited budget.

Keywords: Bernard Lasus, Identity, Colored façade, Graffiti, Surrealism.

Reference list

- Ferriolo, V. M. (2012). Bernard Lassus : A "demeasurable" practice for landscape, Translated from French to Persian by Mansouri, M. *Journal of Manzar*, 3 (19): 68- 73.
- Kafshchian Moghaddam, A. (2005). A study of murals features. *Journal of Honarha-ye Ziba*, (20): 67-78.
- Lassus, B. (1998). *The Landscape Approach*. Philadelphia: University of Pennsylvania Press.
- Lassus, B. (2011). Experiments and concerns in landscape design, Translated from the English by Mansouri, M. *Journal of Manzar* 3 (13): 48-57.
- Mirsadeghi, M. (1990). Shenakht-e Maktabha-ye Adabi (13): Surrealism [Recognition of literary schools (13): Surrealism]. *Chista Magazine of Literature*, (73): 457- 459 & 477.
- Shaigan, D. (1994). Chandganegi-ye Farhangi [Multiculturalism]. *Journal of Goftogoo*, (2): 40-62.
- Steinmetz, D. (2005). La façade, Entre Expression de L'espace Privé et Ordre Public. *Journal of Sciences Sociales*, (33): 20-31.



تصویر ۳: درختان مجازی، برگریزان به درختان محیط سرسبزی می‌بخشند. مجتمع مسکونی باتیژ، اوکانژ، فرانسه. مأخذ: Lassus, 1998.

Pic 3: Artificial trees give a permanent green outlook to the city at times when leaves on natural trees start to fall in autumns and winters. Source: Lassus, 1998.

Pic 4-6: Redefinition of the street façade, based on color variations, has contributed to its role in urban landscape. Source: Lassus, 1998, archive of Bernard Lassus.

در نگاه نخست، کاربرد تکنیک نقاشی دیواری به عنوان راهکاری برای اصلاح نمای شهری، روشی غیرمسئولانه جهت پوشاندن عیب‌های معماری موجود و نوعی پاک کردن صورت مسئله به نظر می‌رسد؛ ولی گاه در محدودیت‌های فضایی، اقتصادی و کالبدی به راهکاری غیر قابل انکار در شکل دادن به نمای شهر تبدیل می‌شود. «برنارد لاسوس» در طرح مجتمع مسکونی باتیژ توانایی خود را در استفاده از تکنیک نقاشی دیواری به عنوان ابزاری محدود و عامه‌پسند به کار گرفته و فضایی خیالی را خلق کرده است. این فضا با پاسخی مناسب به چندگانگی فرهنگی موجود در محدوده، نما و سیمایی خوانا و با هویت را با هزینه‌ای محدود خلق کرده است.